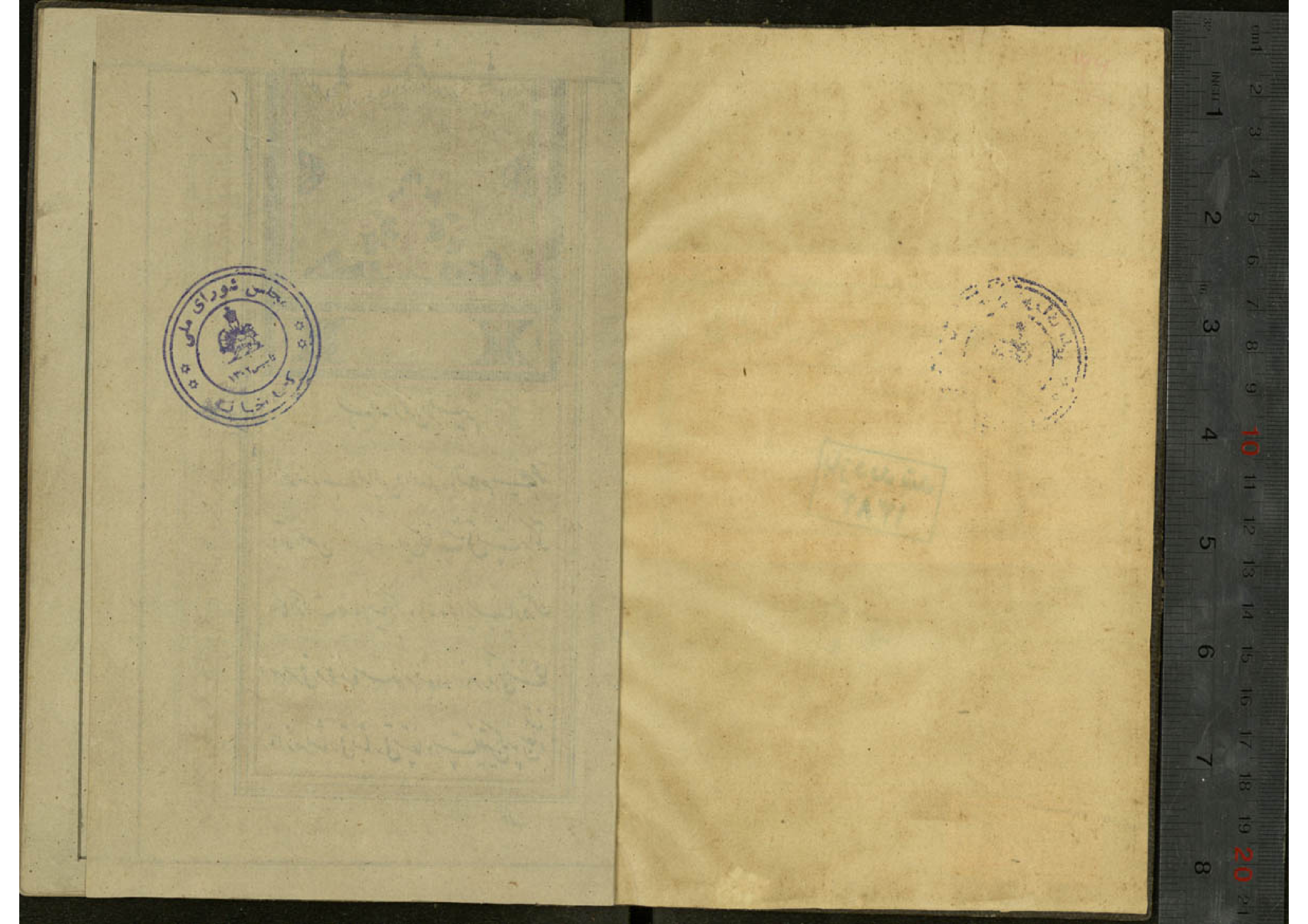
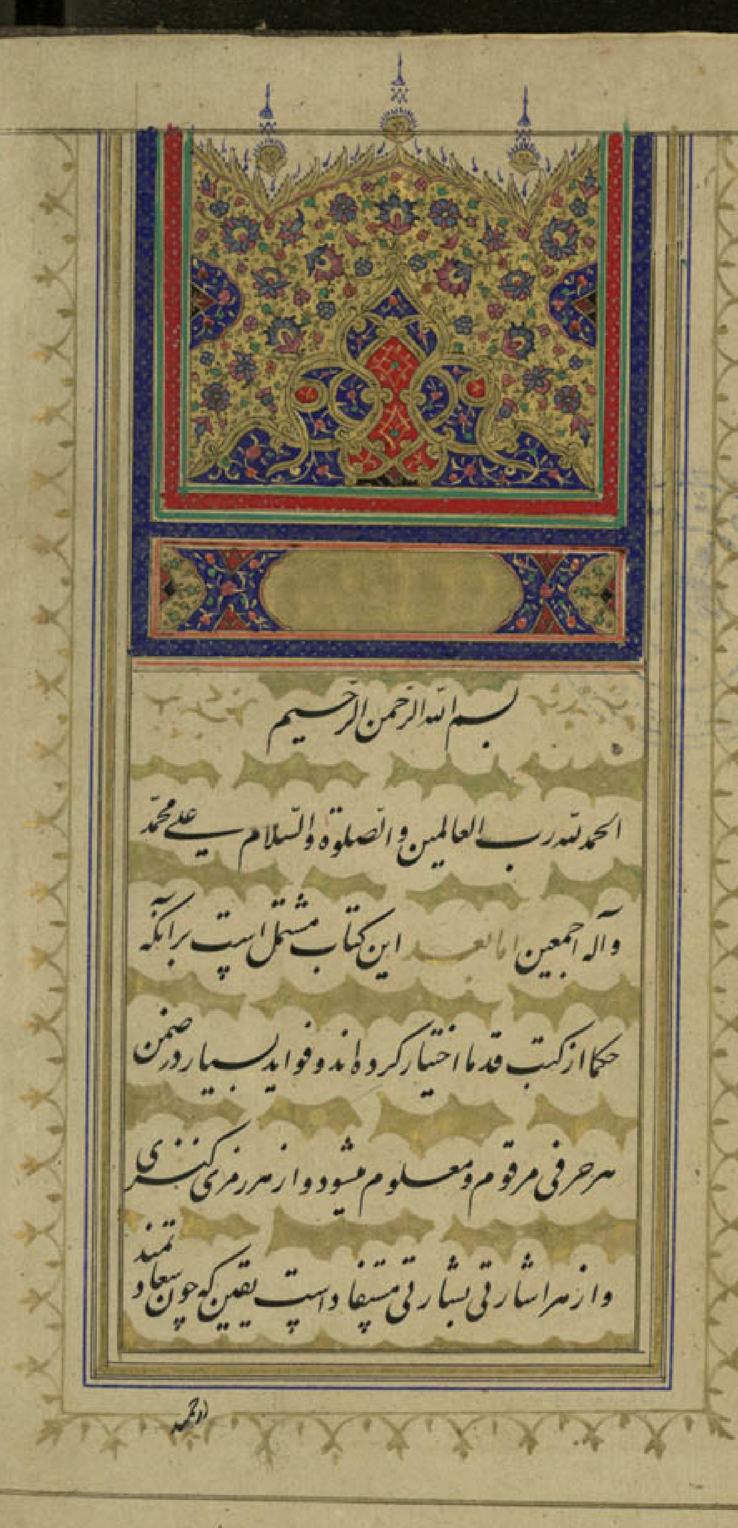


۲۳
۱۰۵۸۹
بازدید شد
۱۳۸۴
کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب تحفة الملوک
مؤلف
موضوع
شماره ثبت کتاب
۸۶۸۸۷
۱۰۵۸۹
خطی، فهرست شده
۱۰۵۸۹


مجلس شورای ملی
تاسیس ۱۳۰۲
کتابخانه



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على محمد
وآله اجمعين اما بعد این کتاب مشتمل است برآنکه
حکما از کتب قدما اختیار کرده اند و فواید بسیار در ضمن
هر حرفی مرقوم و معلوم میشود و از هر رمزی گنجی
و از هر اشارتی بشارتی مستفاد است یقین که چون سعادتمند

ارجمند ازاین پند دلپسند بهره مند شود و متصف بعادات
پسندیده و اخلاق حمیده که شعار ارباب دین و دولت
و دثار الباب ملک و دولتست گردد امید واثق
که بسعادت دوجهانی و دولت جاودانی
واصل گردد و این رساله مسمی است بتحفة الملوک
و مبوبست بچهل باب و هر باب چهار صفحت و بالله التوفیق

باب اول در آنکه چهار چیز پادشاهی را نگاه دارد
رعایت و محافظت دین و وزیر امین با تمکین نگه داشتن حرم
و حرم

باب دویم در آنکه چهار چیز نتوان کرد الا

بچهار چیز پادشاهی نتوان کرد الا بعدل دشمن
هلاک نتوان کرد الا بدوستی محبت نتوان افزود
الا بتواضع بمراد نتوان رسید الا بصبر باب سوم
در آنکه چهار چیز را از چهار چیز چاره نیست پادشاهی
را از سیاست وزیر را از امانت لشکر را از تربیت
رعیت را از رعایت باب چهارم در آنکه چهار چیز را
بچهار چیز حاجتست سلاطین را بوزیران باصلاح
دلیران را بسلاح اسب را بتازیانه تیغ را بقبضه
باب پنجم در آنکه چهار چیز را ورد باید ساخت

دوست بدست آوردن با همه کس نیکوئی کردن در
آبادانی کوشیدن بر خلق خدای بخشیدن باب
ششم در آنکه چهار چیز نباید کرد تا تحسر نباشد
رجوع کارها بنا سزایان نیکوئی با ناکسان در
کارها تعجیل فسق و فجور و عصیان باب هفتم در آنکه
چهار چیز بر همه کس نیکوست عدالت و راستی داد
و عقل و حلم و خرد صبر و تحمل حیا و شرم باب هشتم
در آنکه چهار چیز بر همه خلق نه زیباست حقد و حسد
بر مردم کبر و نخوت خشم و غضب کسالت و بی نمازی

باب نهم درآنکه چهار چیز آفت سلطان است
غفلت امیران خیانت وزیران گستاخی حقیران
حسد نظیران باب دهم درآنکه باکه مدارا باید کرد با
سلطان ستمکار با مردم بیمار با طایفه ناهشیار با
یار نیکوکار باب یازدهم درآنکه چهار چیز موجب ثبات
سلطنت است عدالت و شجاعت مروت و فتوت
و سخاوت و عطیت مرحمت و شفقت باب دوازدهم
درآنکه چهار چیز موجب نیکبختی است اصل پاک دل پاک
دست پاک رای مستقیم و طبع سلیم باب سیزدهم درآنکه چهار چیز
موجب

موجب جمعیت است امن استقامت نعمت فراغت
باب چهاردهم درآنکه چهار چیز اصل دولت است قدردانی
تایید آسمانی امام برگزیده احکام پسندیده باب
پانزدهم درآنکه چهار چیز نشان بدبختی است
کاهلی جاهلی ناکسی بیکسی
باب شانزدهم درآنکه چهار چیز سبب شادمانی است
نواختن سلطان دعای زاهدان ثنای بزرگان
دیدن دوستان باب هفدهم درآنکه چهار چیز است
که بدان مغرور نباید شد تقرب سلطان زهد شیادان

نصیحت حاسدان دوستی زنان باب هجدهم
درآنکه رعایت چهار چیز بر همه کس شرط است طاعت
نصیحت شفقت امانت باب نوزدهم درآنکه چهار چیز
کارها را تمام کند پیوستن با بزرگان تفکر در داستان
تدبیر راستان حدیث دوستان باب بیستم
درآنکه چهار چیز دلیل ابلهی است خویشتن بینی و تکبر
عیب دیگران جستن بخیلی کردن از سفله امید داشتن
باب بیست و یکم درآنکه چهار چیز دلیل سعادتست
عهد درست تواضع در همه حال سعی در کسب

حلال نگه داشتن راز باب بیست و دوم درآنکه چهار چیز
دلیل شقاوتست صحبت داشتن با جاهلان دوستی
کردن با بدان نصیحت شنیدن از فضولان عمل کردن
بقول زنان باب بیست و سیم درآنکه از چهار چیز
احتراز باید کرد از شتاب و تعجیل از خشم و غضب از
بخل و امساک از عجب و تکبر باب بیست و چهارم درآنکه
چهار چیز موجب فلاکتست خبث و غیبت کردن
حسد و وقاحت نمودن تکبر و نخوت طمع و شهوت
باب بیست و پنجم درآنکه چهار چیز موجب ترقی

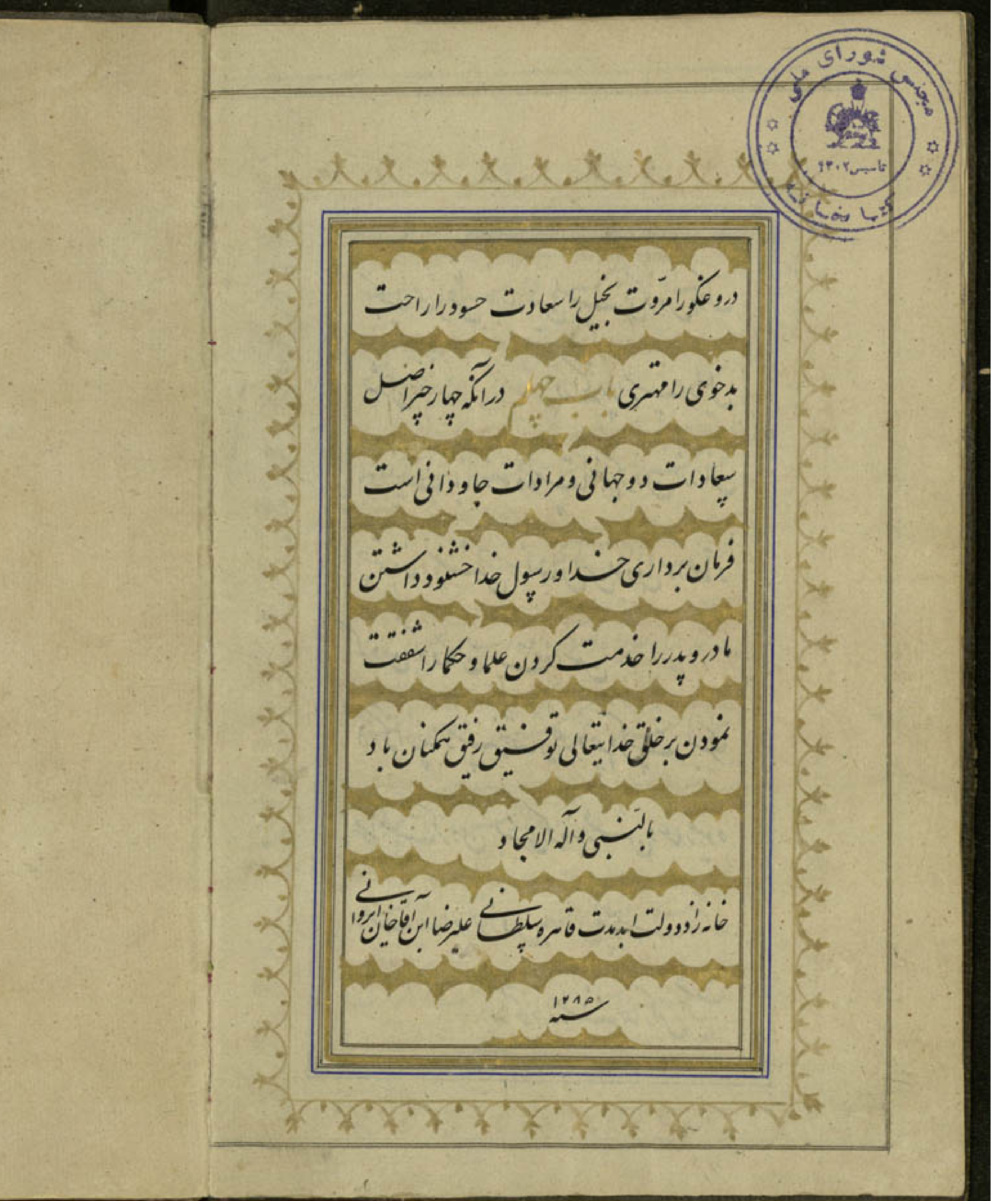
وثروتست با دوستان مروت با دشمنان مدارا
ترک هوا و آرزوها تحمل و صبر در قضایا باب بیست و ششم
درآنکه چهار چیز را تغییر ممکن نیست گردانیدن قضا
و قدر را باطل کردن حق را نیکو کردن بدخو را
خشنود کردن خلق را باب بیست و هفتم درآنکه چهار چیز
خرد نماند و بزرگیست دشمن آتش بیماری دانش
باب بیست و هشتم درآنکه چهار چیز پادشاهی را
خلل دارد ظلم امیر غفلت وزیر خیانت دبیر
خواری بر اسیر و فقیر باب بیست و نهم درآنکه چهار چیز را

بقا

بقا نبود حاکم ظالم را و پسر بیخرد را مال حرام را
گردش ایام را باب سی ام درآنکه چهار چیز عاقبت
چهار چیز ست عاقبت لجاج رسوائی عاقبت خشم پشیمانی
عاقبت بدگوئی دشمنی عاقبت کاهلی خواری
باب سی و یکم درآنکه چهار چیز بچهار چیز تمام شود
دانش بعقل طاعت بورع عمل بصدق نعمت بشکر
باب سی و دویم درآنکه چهار چیز چهار چیز آورد
خاموشی راحت فضولی ملالت سخاوت مهتری
شکر افزونی باب سی و سیم درآنکه چهار چیز شخص را

ضعیف کند دشمن بسیار قرض بسیار زن بسیار
عیال مع قلة المال باب سی و چهارم درآنکه چهار چیز
چهار چیز را ببرد ناسپاسی نعمت را بیداد قوت را
کسالت دولت را تکبر مروت را باب سی و پنجم
درآنکه چهار چیز را باز نتوان آوردن سخن گفته را
تیر انداخته را عمر گذشته را قضای رفته را
باب سی و ششم درآنکه چهار چیز را چهار چیز یافتن
لازمست سؤال کردن خواری یافتن عاقبت
نیندیشیدن پشیمانی دیدن منزل بسیار کردن

بسیاری یافتن با سلاطین دلیری کردن هلاک
شدن باب سی و هفتم درآنکه چهار چیز دلیل
نادانیست با ناآزموده گستاخی کردن از زنان
چشم وفا داشتن از ابلهان ایمن بودن و اعتماد
کردن با کودکان صحبت داشتن باب سی و هشتم
درآنکه از چهار چیز نقصان عمر و بیم مرگست بسیاری
مجامعت کردن بسیاری گرمابه رفتن و غبار میوه
و قدید خام خوردن با زنان پیر صحبت داشتن
باب سی و نهم درآنکه چهار چیز چهار کس را باشد



دروغگو را مروت بخیل را سعادت حسود را راحت

بدخوی را مهتری **باب چهلم** درآنکه چهار چیز اصل

سعادات دو جهانی و مرادات جاودانی است

فرمان برداری خدا و رسول خدا خشنود داشتن

مادر و پدر را خدمت کردن علما و حکما را شفقت

نمودن بر خلق خدا یتعالی توفیق رفیق همگنان باد

بالنبی و آله الامجاد

خانه زاد دولت ابد مدت قاهره سلطانی علیرضا ابن آقاخان ایروانی

سنه ۱۲۸۵

